

## Reasons for the Tendency Towards Emotional Extramarital Relationships: A Qualitative Study

ZahirMostafa Balvardi \*  Assistant Professor, Department of Social  
Sciences, Farhangian University, Iran.

### 1. Introduction

The changes resulting from modernity and globalization have challenged the traditional values and norms of Iranian society and have caused social and family relations to falter. In this context, one of the emerging and worrying phenomena is the tendency towards emotional extramarital relationships; that is, the emotional attachment and infatuation of a married person with someone outside of the marital relationship. Although this type of betrayal remains largely hidden in Iranian culture, research evidence shows that its growth trend has been noticeable since the 2010s and can be a gateway to riskier behaviors. The importance of the issue becomes more prominent when we realize that the university, as a mirror of social changes, is an environment prone to the formation of these relationships among married students. Therefore, the present study, focusing on why this relationship was formed, attempts to understand and explain the lived experience of individuals.

### 2. Literature Review

A review of the literature shows that Iranian studies have mainly focused on sexual infidelity, and emotional infidelity has been less independently investigated. Existing research has suggested factors such as weak moral and religious values, emotional and sexual frustration, economic pressures, individual characteristics, and the influence of social networks and friends as reasons for the tendency to cheat. However, few studies have addressed the purely emotional and experiential dimensions of this phenomenon, especially in the case of married students. On the other hand, theories such as social transition, Hirschi's social bond theory, social exchange, Parsons' functionalism, and Mark Knapp's relationship decline model provide frameworks to explain the role of the breakdown of emotional bonds, individualism, and the failure of family functions in the formation of these relationships.

---

\* Corresponding Author: mostafa.balvradi@cfu.ac.ir

**How to Cite:** Balvardi, Z. M. (2025). Reasons for the Tendency Towards Emotional Extramarital Relationships: A Qualitative Study, *Journal of Social Work Research*, 12(43), .

### **3. Methodology**

This research was conducted with a qualitative and phenomenological approach. The research population consisted of 17 married students from Kerman universities between 2021 and 2023, who were selected through purposive sampling and studied through in-depth semi-structured interviews. Data analysis was performed using the Collaizi's seven-step method. For validation, the findings were returned to the participants and reviewed by experts. Data saturation, verifiability, and reliability were also considered.

### **4. Results and Discussion**

Analysis of the interviews revealed three main themes: "interactional separation", "the other", and "existential insecurity" in the formation of emotional extramarital relationships. Interactional separation, a communication and emotional break between couples, which manifests itself in the form of "emotional alienation," "spouse absence," and "lack of agency," and leads the individual to compensate for emotional needs outside of the relationship. Therefore, youth and a life that is passing without quality become the focus of a person's concerns and cause preoccupation. This leads us to the second research topic, "the entry of a third party," which, along with the compensatory mechanism in some couples, complements their emotional extramarital relationships. Another is the entry of a third person as a source of meaning and emotional attention, which has emerged in three forms: "continuity of emotional experience," "romantic encounters" in social and work environments, and "the search for ideal love." It is only within the context of such discourses that the effort to achieve a desirable emotional connection can lead to the drawing of various scenarios for the individual. People sometimes go beyond married life in order to achieve desirability. The third category is "existential insecurity," which is expressed in the form of two subcategories: "feeling of loneliness" and "feeling of abandonment," and the lack of emotional support, leading the individual to seek an alternative relationship to restore identity and self-worth.

### **5. Conclusion**

Emotional extramarital affair is a multifactorial phenomenon that results more from communication and emotional crises than from economic pressure. In today's transitional society, the role of the family has changed from traditional functions to emotional functions, and the continuation of a common life depends more than anything on mutual emotional satisfaction. The Interviewees' feelings of vulnerability were mostly related to the lack of mutual emotional intimacy, the


powerlessness to make decisions in choosing an emotional partner, or the lack of an emotional actor in the home. As a result, we have considered the absence of these cases as confirming the formation of a new arrangement in the norms and values of society, in which some couples no longer wait for emotional partners; Rather, they are trying to transcend their loyal and traditional identity and, through communication opportunities in new societies, whether through reconnecting with emotional partners from their single days or seeking it in the present, gain an emotional other in exchange for the mechanisms at hand. Therefore, key strategies including strengthening "understanding interactions" and emotional dialogue within the family, training in communication and interpersonal skills, social and psychological interventions, and realistic review of social policies can be effective in reducing the tendency towards these relationships.

**Keywords:** Emotional Extramarital Relationship, Separation of Interactions, The Other, Existential Insecurity



## دلایل پیدایی گرایش به روابط فرا زناشویی عاطفی: یک مطالعه کیفی

استادیار جامعه‌شناسی، گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

زهیر مصطفی بلوردی \* 

### چکیده

با درگیر شدن بخشی از خانواده‌ها در روابط فرا زناشویی زنگ خطر بروز یکی از مسائل عمیق اجتماعی به صدا درآمده‌است. در نادیده گرفتن تاریخی روابط فرا زناشویی عاطفی از سوی خانواده و نظام اجتماعی تردیدی نیست. این غفلت در بررسی‌های مرتبط با خیانت که تاکنون طراحی و اجرا شده‌اند نیز به گونه‌ای دیگر نمود داشته است. این پژوهش، پی آمد روابط فرا زناشویی عاطفی را کم‌تر از اعمال روابط فرا زناشویی جنسی نمی‌داند و آن را زمینه‌ساز بروز دیگر بحران‌ها من جمله خیانت جنسی می‌یابد. بر این بنیان، یافتن همبسته‌های مرتبط با روابط فرا زناشویی عاطفی را با ورود به دنیای تجربه زیسته ۱۷ نفر از زنان و مردان با استفاده از رویکرد پدیدارشناسی و روش هفت مرحله‌ای کلازی به دنبال چرایی و علل روابط فرا زناشویی عاطفی مدنظر است. پژوهش با برجسته ساختن سه مضمون اصلی جدایی تعاملاتی، دیگری، ناامنی وجودی و چندین زیر مقوله، احساس زیان‌دیدگی مصاحبه‌شوندگان را بیشتر ناظر بر خلأ صمیمت‌های عاطفی دوسویه، بی‌قدرتی تصمیم‌گیری در انتخاب شریک عاطفی و یا عدم حضور کنشگر عاطفی در فضای خانه یافته است. لذا هرگونه سیاست‌گذاری به‌منظور تقلیل مسائل این‌چنینی بدون پی‌جویی زمینه‌های خانوادگی خاستگاه فرد را تفسیری نادرست از مسئله می‌داند. از این‌رو، بر حسب عدم تحدید و کرانمندی موضوع و همچنین ظرفیت متفاوت استعدادها، گرایش‌ها و آمادگی‌های روانی، ذهنی افراد، توصیه بر توجه به جایگاهی محوری تعاملات تفاهمی به‌عنوان شاه‌بیت پژوهش‌های جامعه‌شناختی روابط فرا زناشویی عاطفی دارد.

واژه‌های کلیدی: رابطه فرا زناشویی عاطفی، جدایی تعاملاتی، دیگری، ناامنی وجودی

## بیان مسئله

با فراگیر شدن تغییرات و تحولات ناشی از روندهای مدرنیته و جهانی‌شدن، تهدیدها در عرصه‌های مختلف اجتماعی به گونه‌ای دیگر نمایان گردیده است. زیرا قرار گرفتن در تقابل دو گانه «سنت/تجدد»، بر شدت تهدیدات و تعارضات روابط اجتماعی افزوده است. تزلزل ارزش‌ها و باورهای پیشین، زمینه‌ساز حادث شدن آسیب‌های عمده بر روابط اجتماعی است. آسیب‌هایی که حتی ساختارهای عمیق اجتماعی چون خانواده را به چالش کشانده است. در نتیجه پدیده‌هایی که پیش‌تر چندان بروز عینی و آشکار نداشتند امروزه بدل به مسئله اجتماعی شده‌اند. یکی از اصلی‌ترین این پدیده‌ها، اضمحلال تعهد در روابط زوجین و درگیر شدن افراد در روابط فرازنشویی است که در چهار نوع خیانت جنسی، عاطفی، ترکیبی (جنسی - عاطفی) و مجازی (روابط جنسی تلفنی، گفت‌وگوهای جنسی و مشاهده فیلم‌های پورن (کرمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۳۰)، قابل‌رؤیت است. با توجه به فرهنگ مبتنی حفظ استحکام و غنای خانواده و تأکید بر حریم خصوصی روابط زنشویی، بدون شک فرهنگ زنشویی ایرانی شکل‌گیری این نوع روابط را پنهان نگه می‌دارند و حتی در صورت وجود آمار در کانون‌های قضایی و مشاوره‌ای، امکان دستیابی به این اطلاعات موجود، بسیار اندک است.

با این وجود شواهد برآمده از برخی پرسش‌شوندگان پژوهش‌های تجربی انجام شده روابط فرازنشویی جنسی، سرآغاز موضوع را در شکل‌گیری روابط فرازنشویی عاطفی دانسته و رواج آسیب‌شکل‌گیری روابط فرازنشویی عاطفی بین زوجین ایرانی را از دهه ۹۰ خورشیدی نگران‌زا اعلام کرده‌اند (هنرپروران، ۱۳۹۳؛ قره‌گوزلو، مرادحاصلی و عطا دخت، ۱۳۹۷؛ سودانی، کریمی، مهرابی زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۹۱). در چنین فضایی است که زنگ خطر در رابطه با بروز یکی از آسیب‌های قابل‌تأمل اجتماعی به صدا درآمده؛ چه که روابط فرازنشویی عاطفی دروازه ورود به رفتارهای پرخطر با رخدادهای پیش‌رونده دیگر است. در این بستر مطالعاتی نیز، رجوع به مفهوم «تعادل خالص»<sup>۱</sup> رابرت

مرتن، این نکته را به ذهن می‌رساند که پی آمد روابط فرا زناشویی عاطفی را نمی‌توانیم کم‌تر از روابط فرا زناشویی جنسی بدانیم<sup>۱</sup>.

نگاه ما در این نوشتار، شیفتگی و محبت عاطفی نامتعارف افراد متأهل به یک فرد دیگر علی‌رغم داشتن رابطه زوجی تعهدمدارانه است که آن را «روابط فرا زناشویی عاطفی» تعریف کرده‌ایم. در نادیده گرفتن تاریخی روابط فرا زناشویی عاطفی از سوی خانواده و نظام اجتماعی تردیدی نیست. این غفلت در بررسی‌های مرتبط با خیانت که تاکنون طراحی و اجرا شده‌اند به گونه‌ای دیگر نیز نمود داشته است. ساخت یابی چنین پژوهش‌هایی به‌طور قابل‌ملاحظه بر اساس روابط فرا زناشویی جنسی است. در این زمینه بررسی انباشت قابل‌ملاحظه مطالعات تجربی، اکثر این نوشتارها را در قفسه پژوهش‌های روان‌شناختی - و همان‌گونه که ذکر شد- متمرکز بر روابط جنسی (شیردل، ۱۳۸۵؛ Guitar et al, 2016) و گاهی نیز توأمان (تاج‌بخش، ۱۴۰۰؛ تاج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۹؛ فیروزجائیان و قدیری، ۱۳۹۶) جای می‌دهد. بسیار روشن است، از آنجاکه روابط فرا زناشویی عاطفی حامل بار معنایی اجتماعی و فرهنگی خاصی است؛ مسائل آن‌ها نیز باید مستقل از روابط فرا زناشویی جنسی موردبررسی قرار گیرد و درجه دوم قلمداد نمودن آن چیزی از واقعیات مسئله را برای ما بازگو نخواهد کرد و ما را در وضعیت امتناع از موضوع قرار می‌دهد.

دلیل دیگر توجه ما آن است که به نظر نمی‌آید مطالعات جامعه‌شناسانه در گستره خیانت عاطفی نسبت به سایر بررسی‌های فرا زناشویی در ایران سهم درخور توجهی را به دانشجویان متأهل اختصاص داده باشند. این مسئله از یک‌طرف به دلیل وقوع برهمکنش‌های متعدد با جنس مخالف در میان دانشجویان و از باب دیگر که دانشگاه جایگاه مناسبی برای نشان دادن تحولات جدید اجتماعی است؛ اهمیت دارد. گرچه پیامد

---

۱. از منظر مرتنی نمی‌توان کارکردهای مثبت و منفی را روی هم جمع نمود و به‌طور عینی تعیین کرد که تأثیر کدام‌یک بیشتر است؛ زیرا فضای موردبحث پیچیده می‌گردد. از همین رو نمی‌توان در پرداخت علل و عوامل روابط فرا زناشویی توجه ویژه را به روابط جنسی مبذول داشت و در مورد روابط عاطفی مسامحه کرد.

ایجاد روابط فرا زناشویی عاطفی دانشجویان در درجه نخست به فضای دانشگاهی محدود می‌گردد؛ اما از آنجا که دانشگاه را می‌توان آینه تمام نمای جامعه تصور نمود؛ افزایش چنین روابطی حکایت از تحولات فزاینده در لایه‌های زیرین جامعه دارد. بدین جهت بررسی در این باب می‌تواند با کشف و تعمیق شناخت زوایای پنهان خیانت، زمینه شناخت علمی و همه‌جانبه آن را فراهم سازد و به ارتقای فرهنگ زناشویی در میان قشر جوان دانشجو و همچنین تدوین برنامه‌های اجتماعی مناسب در جهت سالم‌سازی محیط‌های اجتماعی و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان‌بار این پدیده یاری رساند. بر این بنیان، پرداختن به چرایی و دلایل روابط فرا زناشویی عاطفی بر اساس منابع و پرداخت‌های نظری و پرسش از وضعیت این مسئله و عوامل تشدیدکننده آن افق دیگری به روی ما باز خواهد کرد. چراکه حائز اهمیت، شناخت به‌روز آسیب‌ها و بیماری‌های در ظاهر پنهان اما اثرگذار اجتماعی به‌منظور پیشگیری، درمان و ممانعت از سوق یابی جوانان در بحران‌های عمیق دیگر است.

حال این پرسش مطرح می‌شود که شکل‌گیری روابط فرا زناشویی عاطفی چگونه قابل تبیین است؟ پرسش‌شوندگان چه درک و تفسیری از انگیزه‌ها و معانی زیرین رفتارهای خود در راستای این رخداد دارند؟ روابط بین‌الذهانی و مخدوش چه نقشی در شکل‌گیری این روابط دارند؟ آیا شاهد تعاملات تحریف‌شده و دیگران آرمانی خواهیم بود؟ آیا این روابط ناظر بر وجود افرادی یا عدم توانایی در مواجهه با مخاطرات زندگی، روابط پایدار و حس استمراریت زندگی است؟ لذا، مسئله پژوهش، تلاش در جهت شناسایی شرایط پیدایی روابط فرا زناشویی عاطفی با استفاده از روشی کیفی و ورود به دنیای تجربه زیسته زنان و مردان از دل داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با آنها است.

### پیشینه پژوهش

اشاره گردید در خصوص روابط فرا زناشویی عاطفی ما شاهد مطالعات تجربی عدیده نیستیم. در مطالعات خارجی با توجه به فضای فرهنگی حاکم، این شکل روابط عاطفی

مسئله مند تلقی نمی‌گردد که پژوهش‌های متمرکز بر آن شکل بگیرد. پیشینه پژوهش‌های داخلی مرتبط با کار ما نیز به صورت ترکیبی موضوع را مدنظر قرار داده‌اند. در این باب، مطالعه تاج‌بخش (۱۴۰۰)، به چهار عامل اصلی فرهنگی- اجتماعی (تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی، کاهش پایبندی نگرشی به ارزش‌های اخلاقی، همسرگزینی نامناسب و...)، روان‌شناختی (تجربه روابط جنسی قبل از ازدواج، ابتلا به اختلالات روانی، خلقی و شخصیتی، ضعف آموزش‌های مهارت‌های ارتباطی و زندگی و...)، اقتصادی (مشکلات مالی و معیشتی خانواده، کسب درآمد و مادی‌گرایی، بیکاری مرد) و خانوادگی (انتقام‌جویی از همسر، عدم پایبندی به تعهدات زناشویی، یکنواختی در روابط زناشویی و...) اشاره کرده است. تاج‌بخش و همکاران (۱۳۹۹) با روش نظریه زمینه‌ای بیست نفر از زوجینی که حداقل یک‌بار در زندگی مرتکب خیانت زناشویی شده‌اند را مورد واکاوی قرار داده. یافته‌های این بررسی، ناسازگاری عاطفی و مشکلات رفتاری، فرسایش رابطه جنسی، زمینه‌ها (ضعف باورها و اعتقادات مذهبی، نگرش‌ها و گرایش‌های لذت‌جویانه، سن، نوع شغل، طول مدت ازدواج، تأثیر دوستان، روابط قبل از ازدواج)، استراتژی‌ها (مقصر جلوه دادن همسر، توجیه رابطه، سوءاستفاده از مذهب) و پیامدهای ناشی از آن (فرسایش سرمایه اجتماعی خانواده، افزایش مشکلات خانوادگی) را بدست داده است.

در مطالعه فیروزجائیان و قدیری (۱۳۹۶) نیز مؤلفه‌هایی از دلایل روابط فرا زناشویی عاطفی قابل‌ردیابی است. این پژوهش با مطالعه بر روی ۳۶ نفر از زنان، ده مقوله اصلی فردگرایی، ضعف دینداری و اخلاقی، عدم رفع نیازهای جنسی، عدم رفع نیازهای عاطفی و روانی، خشونت فیزیکی و کلامی شوهر، ضعف نظارت بر زندگی و زندگی صادقانه، تأثیرپذیری از دوستان، فقر و مشکلات اقتصادی، اعتیاد، رسانه‌ها و شیوع فرهنگ فساد در جامعه را از دلایل اصلی مصاحبه‌شوندگان برای ورود به روابط فرا زناشویی می‌داند. فرموله بندی پیشینه‌های پژوهشی، کمبود بررسی‌های روابط فرا زناشویی عاطفی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر مطالعات صورت گرفته تنها تأکید بر برخی وجوه این موضوع دارند.

بنابراین این بررسی می‌تواند تلاشی پیشگامانه در زمینه شناسایی عوامل مرتبط با روابط فرازنشویی عاطفی باشد.

### ملاحظات نظری

ریشه‌یابی شکل‌گیری و تداوم روابط فرازنشویی عاطفی می‌تواند تحت تأثیر شرایط و عوامل فردی- اجتماعی عدیده، کم و کیف متفاوتی به خود گیرد. از این رو، طرح رویکردهای نظری تبیین آن، می‌تواند در گستره وسیعی از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه مورد توجه باشد. لذا تبیین عوامل و ریشه‌های اجتماعی این روابط به مثابه یک آسیب اجتماعی را با استناد به صورت بندی گفتمانی «گذار» آغاز می‌کنیم.

جوامعی که در حال انتقال از وضع اجتماعی و اقتصادی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند؛ اجماع بر سر اهداف اجتماعی، انتظارات جمعی و الگوی های رفتار برای اعضای جامعه پایین می‌آید. این حالت سبب محو و غیبت تدریجی ضابطه‌های اخلاقی می‌شود و جامعه کنترل اجتماعی خود را از دست می‌دهد. کنشگران اجتماعی نیز دچار سردرگمی شده و قواعد و ارزش‌های جامعه بی‌اهمیت و کم‌ارزش می‌شود. به بیان دیگر، ارزش‌های اساسی بر لذت‌طلبی، تمتع آنی، مصلحت‌گرایی فردی و ابزارگرایی استوار می‌گردد. در چنین شرایطی امور و ارتباطات انسانی نیز متأثر از این شرایط است. روابط بسیار سست، آسیب‌پذیر و شکننده‌اند و به محض آن‌که مصلحت دیگری ایجاب کند؛ رابطه‌ها از درون تهی می‌شوند و به بهانه‌های مختلف می‌شکنند (مساواتی آذر، ۱۳۷۴: ۲۸۱). از بعدی دیگر، با ضعیف شدن وجدان جمعی، ارزش‌های منفی منتسب به روابط کجروانه کاهش می‌یابد و جامعه چنین افرادی را «مطرودان اجتماعی» تلقی نمی‌کند چراکه «نیروهای هنجاری بالفعل» اعمال اجتماعی را با هر اصلی که باشند از نظر هنجاری توجیه و پنهان می‌کنند. این‌گونه مشروعیت دادن، درک هنجارها و شرایط صواب و واقعی را برای کنشگران دشوار می‌سازد (مرتین، ۱۳۷۶: ۴۵). در این فرایند، اخلاقیون با قائل شدن

بار اخلاقی به روابط فرزنشویی، مستولی شدن آن را ناشی از جایگزینی ضد ارزش‌ها می‌دانند. در وجه و چگونگی این ویژگی، شوارتز ارزش‌های معطوف به کنش‌های انسانی را در دو نوع «ارزش‌های ترقی فردی» شامل ارزش‌های خوشی و لذت و «ارزش‌های تعالی فردی» مانند مسئولیت‌پذیری، صداقت، وفاداری، هماهنگی درونی (بیرهوف، ۱۳۸۴: ۱۵ و ۳۸۶) شکل‌بندی می‌کند. در همین راستا صاحب‌نظران شناختی و عقلانی اخلاق، با بیان ارزش‌های تعالی فردی، کنش‌های عاطفی را مستلزم پرهیز از دگرخواهی و رعایت حقوق دیگران و تمایل به خودخواهی و خودمداری می‌دانند (جوادی یگانه، ۱۳۸۳: ۱۲).

البته بسیاری در این نکته تردید دارند که بدون یک سیستم کنترل درونی بتوان از چنین اعمالی رهایی یافت. دیوید رازمن<sup>۱</sup>، سیستم کنترل درونی از جمله پایندهای مذهبی را کارا تر می‌داند؛ چه که در غیر این صورت، هزینه‌های حیثیتی اقدام به روابط فرزنشویی رنگ خواهد باخت و عده‌ای با این نگرش، چنین اعمالی را فاقد قبح لازم می‌یابند. در این مسیر، آن‌گونه که هیرشی مراد می‌کند، چهار عنصر وابستگی، تعهد، درگیری و اعتقادات منجر به تحکیم پیوندهای ارتباطی می‌شود و هرچه این پیوند قوی‌تر باشد امکان انحراف از انتظارات دوطرفه کمتر می‌شود (سروستانی، ۱۳۸۶: ۵۲). بنابراین، وابستگی و تعهد [تعهد به معنای تمایل زوجین به ماندن در یک رابطه]، به خانواده می‌تواند منجر به جلوگیری از انحرافات گوناگون از جمله خیانت زناشویی گردد. هیرشی تمایل به ماندن و ترک یک رابطه را به میزان سرمایه‌گذاری طرفین (وقت، انرژی، وابستگی به خانواده و ...) در رابطه می‌داند. به‌طوری‌که هرچه پاداش طرفین در رابطه بیشتر باشد؛ تمایل به ترک رابطه نیز کمتر می‌گردد.

بر اساس نظریه مبادله<sup>۲</sup>، رفتار افراد برحسب پاداش‌هایی که دریافت کرده و هزینه‌هایی که به همراه دارند، تغییر می‌کند. انسان‌ها همواره در زندگی خود با دیگران سعی می‌کنند که برای خود نفعی به دست آورند و اگر این انتظارات برآورده نشود، ناراضی و پشیمان

---

1. Riesman.D  
2. Exchang theory

خواهند شد. طبق اصل عدالت، تعادل زمانی حفظ می‌شود که رابطه پاداش‌ها و هزینه‌های طرفین برابر باشند. فرد آنچه را که برای یک رابطه هزینه می‌کند و آنچه را که به دست می‌آورد، با یکدیگر مقایسه می‌کند؛ سپس نتیجه را با آنچه از نظر او طرف مقابل به دست می‌آورد، مقایسه می‌کند. اگر احساس نابرابری کند، احتمالاً این رابطه با خطر مواجه خواهد شد. دیدگاه مبادله اجتماعی برای تبیین روابط زن و شوهرها و نیز روابط بین گروه‌هایی که باید برای رسیدن به توافق مذاکره کنند، قابل استفاده است (بدار و دیگران، ۱۳۸۱: ۲۶). از این رو، روابط زوجین یک نوع مبادله است و زمانی که هر یک از زوجین هزینه‌های یک رابطه را بیشتر از منافع آن ارزیابی کنند، نظریه مبادله پیش‌بینی می‌کند که این شخص به رابطه مذکور خاتمه دهد (جلیلیان، ۱۳۷۵: ۴۵). بدین سان، یکی از عوامل دیگری که اثر قاطعی در بروز مشکلات زناشویی دارد، نیازها و برآورده نمودن خواسته‌های دو طرفه است.

در بخش‌های دیگر، نظریه تالکوت پارسونز و مارک نپ، کنش‌های انسانی به بررسی می‌گذرایم که قرابت بسیاری با موضوع این پژوهش دارند. در تئوری کارکردگرایی پارسونز، گرایش به روابط خارج از چارچوب خانواده را می‌توان با فقدان چهار کارکرد اصلی خانواده تبیین نمود. در کارکرد سازگاری یا انطباق در صورتی خانواده نتواند در رابطه با دیگر نهادها به‌ویژه از لحاظ مادی - معیشتی از خود محافظت کند؛ نظام خانواده سست می‌گردد و زوجین برای پر کردن خلأ عاطفی درون خانواده به روابط خارج از نظام خانواده روی می‌آورند. هنگامی که در کارکرد دستیابی به هدف، خانواده نتواند توانایی و نیروهایش را برای نیل به اهدافی چون سلامت روانی بسیج کند؛ با مشکل مواجه می‌شود. در کارکرد یگانگی و انسجام خانواده، زمانی که قوانین حقوقی و ضوابط هنجاری خانواده ضمانت اجرایی خود را از دست بدهند؛ روابط زوجین دچار اختلال می‌گردد و هنگامی که در کارکرد فرهنگی خانواده، الگوها و انگیزه‌های لازم برای حفظ و بقای خانواده وجود نداشته باشد؛ زن و مرد انگیزه‌ای برای بقا و استحکام نظام خانواده نخواهند داشت. در همین امتداد، مارک نپ (۱۹۸۷)، تحلیل قابل تأملی از انگیزه‌ها و فرایندهای ارتباطی مؤثر

بر پایداری زندگی زناشویی ارائه می‌دهد. او در کل ده مرحله ارتباطی بین زوجین تفکیک کرده که پنج مرحله آن مربوط به پیوند و پنج مرحله دیگر مقوله افول را تشریح می‌کند. اولین گام افول، «افتراق»<sup>۱</sup> است؛ دو طرف رابطه یا یکی از آنها احساس می‌کند رابطه با دیگری [همسر]، او را در چارچوب معینی محبوس کرده است. در مرحله «محدود کردن»<sup>۲</sup>، کنشگر رابطه شروع به کاهش دفعات ارتباط و نیز تقلیل صمیمیت می‌کند و اگر هم ارتباطی داشته باشند، از اختیار و اشتیاق نیست. افراد سپس وارد مرحله «بی‌روح شدن»<sup>۳</sup> می‌گردند که بیانگر افزایش تخریب و تباهی رابطه است. در این مرحله زوج یا زوجین به تعبیری به تباهی رابطه زناشویی و در اینجا گهگاه روابط فرا زناشویی دست می‌زنند. اما بنا به دلایلی سعی در حفظ پیوند دارند. باین حال، شاهد مرحله «پرهیز از یکدیگر»<sup>۴</sup> نیز خواهیم بود. زوج یا زوجین در آن می‌کوشند با ابزار گریز، از بار غم و نبود رابطه‌ای که باعث ناراحتی می‌شود، بکاهند (تیموری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۰۹۰).

## روش

جدول ۱- مشخصات شرکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	جنس	شغل	سن	ردیف	جنس	شغل	سن
۱	زن	دانشجو/ کارمند	۲۵	۱۰	زن	دانشجو/ کارمند	۲۷
۲	مرد	دانشجو/ کارمند	۲۹	۱۱	زن	دانشجو/ کارمند	۲۸
۳	مرد	دانشجو/ کارمند	۳۵	۱۲	مرد	دانشجو/ کارمند	۲۷
۴	مرد	دانشجو/ کارمند	۳۰	۱۳	مرد	دانشجو/ کارمند	۲۹
۵	زن	دانشجو/ کارمند	۲۹	۱۴	زن	دانشجو	۲۱
۶	زن	دانشجو	۲۶	۱۵	زن	دانشجو	۲۴
۷	مرد	دانشجو/ کارمند	۳۳	۱۶	مرد	دانشجو/ کارمند	۳۲
۸	زن	دانشجو/ کارمند	۲۸	۱۷	زن	دانشجو	۲۰
۹	مرد	دانشجو/ کارمند	۳۰				

1. Differentiating
2. Circumscribing
3. Stagnating
4. Avoiding

در این بررسی به دلیل زیست‌شغلی چندین ساله نگارنده در فضای دانشگاهی و اطلاع از لایه‌های زیرین تعاملاتی، درخواست‌های مشورتی، دانشجویان متأهل و سال آخر دانشگاه‌های شهر کرمان به‌عنوان جامعه آماری مرد توجه قرار گرفتند. فرایند انتخاب نمونه‌ها بسیار طولانی در فاصله سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ انجام گرفت. روش کار پدیدارشناسی با نمونه‌گیری مبتنی بر هدف<sup>۱</sup> و مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته بر روی ۱۷ زن و مرد به‌گونه‌ای طرح گردیده که پوشش دهنده پرسش‌های تحقیق باشند. بر این اساس، به‌جز سؤال اول مصاحبه که بر اساس آن برخی اطلاعات کلی مصاحبه‌شوندگان (نظیر سن، سطح تحصیلات و غیره) را از آن‌ها جویا شد، مضمون مابقی سؤالات به ترتیب شامل پرسش از توصیف فرد از شکل‌گیری روابط فرازنشویی عاطفی، نوع معنادمی فرد به رفتار انجام‌شده، توصیف فرد از تعاملات تحریف‌شده، دیگران آرمانی و حس استمراریت بود. درخواست گردید، افراد آشنای دیگری که چنین تجربه‌ای را دارند؛ معرفی نمایند. معیارهای ورود به مطالعه داشتن زندگی در خانواده (عدم طلاق)، فقدان مشکلات ثابت‌شده ذهنی، رضایت داشتن به شرکت در مطالعه و توانایی بازگویی تجارب بود. شرکت‌کنندگان در طول مطالعه اجازه خروج از فرایند پژوهش را داشتند. همچنین قبل از شروع مصاحبه ضمن تشریح هدف تحقیق و اطمینان به محرمانه بودن اطلاعات به مشارکت‌کنندگان داده شد. این فرایند یک الگوی منظمی از تکرار جمع‌آوری و تحلیل هم‌زمان داده‌ها بود و... تا اشباع داده‌ها ادامه یافت.

تجزیه و تحلیل و اعتباریابی داده‌ها با رویکرد هفت مرحله‌ای کلایزی به شکلی انجام شد که ابتدا به‌منظور مطالعه روایات مشارکت‌کنندگان تمامی مصاحبه‌های ضبط‌شده را بر روی کاغذ برگردانده و مطالعه و در جهت «ساکن شدن در داده‌ها»، چندین بار بازخوانی شدند. در مرحله دوم، در راستای «استخراج جملات مهم» زیر عبارات یا جملاتی که به‌طور مستقیم به پدیده موردنظر مربوط بود، خط کشیده شد. سپس تحت عنوان «دسته‌بندی کردن معانی» تلاش شد، جملات مهم استخراج و به معنای هر

یک از جملات مهم تحت عنوان «کد» پی برده شود. مورد قبلی برای هر مصاحبه تکرار شد و انبوه معانی استخراج شده به صورت خوشه موضوعات (مضامین یا موضوعات اصلی)، سازمان‌دهی و تنظیم شدند. پس از آن به منظور دستیابی به توصیف جامع از موضوع، نتایج را با هم تلفیق شدند. در نهایت با تنظیم کردن توصیف جامع پدیده یک تصویر کلی از ساختار ذاتی تحت عنوان «ساختار موضوع» که همان وضعیت کلی از روابط فرا زناشویی عاطفی بود، ارائه گردید. در مرحله آخر با رجوع به چند نفر از شرکت‌کنندگان و پرسش از آنان در مورد نتایج، «اعتبار نهایی یافته‌ها» مورد مذاقه قرار گرفت. جهت بررسی «اعتبار»، اطلاعات هر مصاحبه پس از انجام تجزیه و تحلیل در اختیار شرکت‌کنندگان در پژوهش جهت بازبینی و تأیید اطلاعات قرار گرفت و بر اساس نظرات آنان اصلاحات لازم صورت پذیرفت. برای «تأیید پذیری» اطلاعات، سعی شد تا حد امکان با کنار گذاشتن عقاید و پیش‌داوری‌ها در زمینه موضوع پژوهش، تأیید پذیری اطلاعات به دست آمده حفظ گردد. به منظور «قابلیت اطمینان»، یافته‌های مطالعه شامل زیرمضمون‌ها و مضمون‌های اصلی مطالعه با استفاده از نظرات صاحب‌نظران این حیطه مورد بررسی، اصلاح و مشورت قرار گرفت. همچنین در قسمت بحث پژوهش قابلیت انتقال نتایج این مطالعه تا حد امکان مورد بررسی قرار گرفت.

## یافته‌ها

پژوهش سه مضمون اصلی «جدایی تعاملاتی»، «دیگری»، «ناامنی وجودی» و چندین زیر مقوله را برجسته ساخته است.

### مقوله اصلی: جدایی تعاملاتی

در جدایی تعاملاتی، از آنجا که به قول یورگن هابرماس «حیطه تعامل، بر اساس زبان و نماد بر ساخته می‌شود» (اباذری، ۱۳۷۷: ۵۷)؛ ما آن را ارتباطی مخدوش، عدم رابطه دوطرفه بین الادهانی، حس نزدیکی و در کل نوعی تعامل تحریف‌شده متکی بر اجبار می‌دانیم.

دلایل پیدایی گرایش به روابط فرازنشویی عاطفی...، بلوردی | ۲۰۳

### مقوله فرعی. بیگانگی احساسی

مقصود ما عدم وجود ارتباط تعامل گونه عاطفی توسط یک زوج و یا عدم تکرار آن توسط زوج دیگر است. در واقع حالتی با مشخصه «فقدان دوسویه گرایی عاطفی» را نشان می دهد.

مرد ۳۰ ساله: «ما فقط با هم زیر یک سقفیم. رابطه من با همسرم به شکلیه که گاهی یاد دوران دانشجویی کارشناسی می افتم. شکل یک هم خونگی منهای رفاقت های صمیمانه اون دوران است».

زن ۲۴ ساله: «این که احساساتی میان ما باشه، اوایل ازدواج بود اما الان دیگه نه. این باعث شد حس عاطفی هم به مرور کم رنگ بشه و صمیمیت جای خودش را به احترام گذاشتن بده».

این بازخوانی ها حاصل ترکیب بدیعی است که برابند فقدان مؤلفه های صمیمیت، رفاقت و پیوند عاطفی منجر به آن می شود فرد ارزیابی مثبت و منظمی از زندگی مشترک نداشته باشد. حالتی که زوجین دیگر نمی توانند پایبندی عاطفی به یکدیگر را به شکل مطلوبی نشان دهند.

زن ۲۸ ساله: «احساسات عاطفی ما حتی اون شکل که فکر کنید حالت رفع تکلیفی داره و معطوف به جشن تولدهای بچه هامونه. یک جورایی دیگه فاصله داریم از هم».

در این معنا، به مرور زمان، فاصله احساسی تبدیل به کناره گیری عاطفی و جنسی می گردد. به وصفی که حتی اگر زوجین به شکل فیزیکی در کنار هم حضور داشته باشند، به لحاظ عاطفی گسست قابل توجهی با یکدیگر دارند.

### مقوله فرعی. همسر غایب

اشاره به همسرانی است که کمتر حضور فیزیکی در خانه دارند و یا اگر حضور دارند؛ غیبت روحی و تمرکز آنها آزاردهنده است.

۲۰۴ | فصلنامه علمی پژوهشنامه مددکاری اجتماعی | سال دوازدهم | شماره ۴۳ | بهار ۱۴۰۴

زن ۲۸ ساله: «کمتر همدیگر را می‌بینیم. آن‌هم فقط شب‌ها که اکثراً خسته و کوفته میاد خونه که حوصله هم نداره. در این وضعیت نمی‌شه حتی موضوعات عاطفی به کنار، دیگه مشکلات را در میان گذاشت».

زن ۳۰ ساله: «خب نبود همسر [زندانی] مشکلات زیادی داره. اما هم من و هم بچه‌ام داریم کنار می‌آییم و سعی می‌کنیم سرمان به چیزهای دیگه ای باشه و این نبودن را حلش کنیم. یکیش همین مورد رابطه‌ای [فرا زناشویی] است که دارم».

در این شرایط، حتی علی‌رغم نبود مشکل مالی، همسر نیازمند داشتن حس امنیت و اطمینان خاطر در کنار فردی است که در تعامل با او آن را احساس کند. در صورت عدم تأمین این خواسته، اقدام به ارتباط با شخص غیر هم‌جنس دور از انتظار نخواهد بود.

زن ۲۹ ساله: «وقتی مقایسه می‌کردم زندگی اطرافیانم که تا چه اندازه همسران شون برای اون‌ها وقت می‌گذاشتند و در کنار هم بودند اگر بخوام به لحاظ بیشترین به کمترین میزان رابطه روزانه‌ام بگم؛ بودن همسر در کنارم، در جایگاه‌های انتهایی است».

در متن کمیت چنین ارتباط‌هایی، بدیهی است زن اگر مردی را با خصوصیات در دسترس بودن بیابد شروع به مقایسه او با همسر خود خواهد کرد و در نهایت تمایل به برقراری ارتباط عاطفی با چنین شخصی در او شکل می‌گیرد.

### مقوله فرعی. تعیین انتخاب

مقصود، فرد فاقد اختیار یا ظرفیت انتخاب بین گزینه‌ها در گزینش یا عمل در موقعیت‌های خاص است. عمده دلیل برجسته بودن این مقوله را باید در قیدهای اجتماعی جست.

زن ۲۸ ساله: «این قدر در خانواده ما یکسری باورهای عجیب و غریب وجود داشت که خودم هم به گونه‌ای قبول کرده بودم نباید نظری راجب انتخاب همسر بدم. ای کاش عقل الآن را اون موقع داشتم».

مرد ۲۷ ساله: «نه علاقه ندارم، من اون را انتخاب نکردم. مجبورم کردند. معیارهای من چیز دیگری بود. مجبورم ظاهر قضیه را نگه دارم».

دلایل پیدایی گرایش به روابط فرازنشویی عاطفی...، بلوردی | ۲۰۵

می‌توان چنین برداشت نمود، اجبار انتخاب همسر به همراه سنن و رسوم غالب بر روابط خانوادگی شکل‌گیری پیوندهای عاطفی را با مشکل مواجهه می‌کند. از این رو، جوانی و زندگی در حال گذر بدون کیفیت، کانون دغدغه‌های فرد می‌شود و موجب اشتغال خاطر می‌گردد. این موضوع ما را به مبحث «تعیین انتخاب» رهنمون می‌سازد که به همراه مکانیسم جبران‌کننده در برخی زوجین، تکمیل‌کننده روابط فرازنشویی عاطفی آنها است.

### مقوله اصلی: دیگری

دیگری، ناظر بر رابطه با کسی است که فی‌نفسه نباید در چارچوب عرفی زندگی زنشویی باشد، یعنی فردی که مطلقاً دیگری [غیر ایشان] است.

### مقوله فرعی: استمرار تجربه عاطفی

در معنای کلی اشاره به افرادی با تجربه عاطفی پیش از پیمان زنشویی دارد که رابطه خود را حتی پس از ازدواج ادامه می‌دهند.

مرد ۳۲ ساله: «من الآن سه‌ساله ازدواج کردم اما دوستیم با اون هفت ساله که

ادامه داره و از نظر خودم قدیمی‌تر و ریشه دارتر و جزئی از زندگی من است».

چنین روایتی تا حدی زیاد ما را به سوی این توضیح می‌کشاند که روابط عاطفی پیش از ازدواج اصولاً به دلیل ارائه خودهای آرمانی، خاطراتی خوشایند در ذهن افراد ایجاد می‌کند و لذا عموماً به‌سختی قابل کنترل و ترک خواهند بود.

زن ۲۷ ساله: «دوبار تجربه دوستی قبل از ازدواج داشتم. مدتی تمام شده بود اما

الآن با یکی شون که بسیار صمیمی هم بودیم، در ارتباطم حتی بهتر از زندگی

حال حاضریم».

علاوه بر این، رضایت از رابطه پیش از ازدواج و مقایسه آن با رابطه جدید می‌تواند موجب احساس نارضایتی و کناره‌گیری از همسر و در نتیجه ایجاد رابطه فرازنشویی

گردد. در گواه این مطلب گفته برخی پرسش‌شوندگان پژوهش بود. با اعلام موضوع نارضایتی از زندگی زناشویی، داشتن تجربیات عاطفی گذشته را زمینه‌ساز یک کشش برای ارتباط مجدد با دوستان قبلی ذکر کرده‌اند.

زن ۲۴ ساله: «وقتی مشکلات زندگی را چشیدم، دوست قدیمی را از طریق فضای مجازی پیدا کردم و رابطه مون مجدد شکل گرفت».

### مقوله فرعی. مواجهه‌های عاشقانه

افراد علی‌رغم داشتن زندگی زناشویی مطلوب به دلیل عدم توانایی در کنترل هیجانی عشق، کشش ناگهانی و شدیدی به شخصی به جزء همسر خود پیدا کرده‌اند. در این پژوهش، ما شکل‌گیری این مواجهه‌های عاشقانه را در تجربیات روزمره یافتیم.

زن ۲۸ ساله: «اولین بار که دیدمش برای یک کار مراجعه کرده بود اداره ما. به‌مرور رابطه ما از کار به قرارهای بیرون و درد و دل‌های دوستانه رسیده».

در جوامع در حال توسعه به‌خصوص افزایش تعداد زنان شاغل در محیط اجتماعی منجر به تغییراتی مهمی در روابط اجتماعی شده است. با گسترده شدن قلمرو روابط و شبکه‌های اجتماعی، افراد با اجتماعات و افراد متعدد پیوند می‌خورند، و گهگاه تحت تأثیر این تعاملات، روابط غیررسمی شکل می‌گیرد.

مرد ۳۳ ساله: «یک جور شیفته اخلاق و تعهد کاریش شدم و خودش هم متوجه شد. به‌مرور این ارتباط کشیده شد به راهنمایی‌هایی که اون از من در رابطه با زندگی متأهلی‌اش می‌گرفت».

به‌عنوان براین نکته‌های گفته شده می‌توان اشاره داشت؛ به دلیل ایجاد همین تعامل‌های گسترده، در صورت وجود تعارضات زناشویی و یافتن مطلوبیت‌هایی در محیط کار در دیگری و احساس نزدیکی با او، زمینه شکل‌گیری روابط فرا زناشویی در این مواجهه‌ها فراهم‌تر است.

### مقوله فرعی. جست‌وجوگر عشق آرمانی

اشاره به پی‌جویی «شخص مورد انتظاری» را دارد که ارتباط معناداری با باورها، عقاید و یا رفتار فرد به‌منظور شکل دادن به آرزوها و عملکردهای خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی و زناشویی داشته باشد.

زن ۲۶ ساله: «به‌نوعی همسرم فرد مدنظرم نیست. مگر من چرا نباید زندگی ایده‌آل خودم را داشته باشم؟ شاید قبول نکنید اما این را در شخص دیگری پیدا کرده‌ام و این همون چیزیه که در زندگی نیاز دارم».

به‌زعم پارسنز رفتار انسانی دارای سه شرط ساخت، کارکرد و فرآیند است (روشه، ۱۳۷۶:۶۱). آنچه در اینجا به بحث ما ارتباط بیشتری دارد؛ مفهوم کارکرد یا پیش‌نیازهای کارکردی<sup>۱</sup> است که مستلزم برآورده ساختن نیاز عاطفی و به‌نوعی آرمانی است.

مرد ۳۱ ساله: «این کسی که الان باهاش هستیم؛ به نظرم به نسبت کیس‌های قبلی با معیارهایی که دنبالش بودم و قبلاً نداشتمش از همه بهتره [خنده]».

تنها بر متن چنین گفتمان‌هایی است که می‌توان جست‌وجوگری عشق را به رابطه فرا زناشویی پیوند داد، زیرا تلاش برای رسیدن به یک ارتباط مطلوب عاطفی، منجر به ترسیم سناریوهای گوناگونی برای فرد می‌شود. افراد گاه به‌مثابه فردی انتخاب‌گر محسوب می‌شوند که به‌قصد دستیابی به مطلوبیت، فراتر از زندگی زناشویی قدم می‌گذارند.

### مقوله اصلی: ناامنی وجودی

ناامنی وجودی نیز معطوف به شخصی است که از حیث وجودی [وجود شناسی]، امنیت اساسی در خویش نمی‌یابد. قادر نیست با تمامی مخاطرات زندگی اعم از مخاطرات اجتماعی، اخلاقی، معنوی و زیستی مواجه شود. چنین افرادی، غالباً بیش از آن که رضایت خاطر کسب کند، در پی محافظت از خویش از طریق ارتباط‌های متکثر با دیگران هستند.

زیرا شرایط معمولی زندگی احساس امنیت آن‌ها را تهدید می‌کند (لینگ، ۱۳۷۴: ۸۶).

### مقوله فرعی. حس تنهایی

اولریش بک، پیوسته نگرانی خود را از سرنوشت مبهم زندگی اجتماعی بیان می‌دارد (عاملی، ۱۳۸۲: ۱۶۲). روایت افرادی که احساس می‌کنند از آن چیزی که باید یا مایل هستند، فاقد روابط مثبت، پایدار و بااهمیت هستند. در نتیجه، حالت ناراحت‌کننده‌ای در اثر فاصله بین روابط بین فردی که شخص تمایل دارد آن را داشته باشد و روابطی که فرد در حال حاضر دارد، بوجود می‌آید (Peplau and Morasch, 1982: 136). قابل توجه آن‌که، تنهایی ممکن است عینی، نظیر فراوانی تعاملات یا تعداد دوستان، یا آن‌که ذهنی، مثل رضایت از ارتباطات باشد (Asher and Paquette, 2033: 77). این موضوع پژوهشی مبتنی بر احساس تنهایی ذهنی است.

زن ۲۴ ساله: «رابطه من با اون وقتی باهش صحبت می‌کنم یک احساس رضایت به من می‌ده. احساس می‌کنم خیلی ازش یاد می‌گیرم و تواناتر میشم».

زن ۳۰ ساله: «خیلی به من نگاه می‌کنند؛ فکر می‌کنند از لحاظ ارتباطی هیچ مشکلی ندارم و اشباع هستم. اما این شکل نیست؛ برام پیش آمده در خیلی از جمع‌ها اون حس تنها بودن را دارم. اما این کمبودها را در زمان در کنار اون بودن، ندارم».

این بازتعریف بر خصوصیت عاطفی احساس تنهایی تأکید می‌کند. احساس تنهایی یک تجربه عاطفی ناراحت‌کننده است؛ به این صورت که احساس تنهایی ناشی از این ادراک است که ارتباطات اجتماعی، حمایتی از او را به عمل نمی‌آورد. کوب با تعریف حمایت اجتماعی<sup>۱</sup> تحت عنوان معرفتی که باعث می‌شود، فرد باور کند شخصیت و هویتش مورد احترام و علاقه دیگران و عنصری ارزشمند و دارای شأن است (Cobb, 1976: 302)؛ بعد ذهنی تنهایی را به مقوله حمایت پیوند می‌زند. البته در اینجا نه حمایت

---

1. social support

دلایل پیدایی گرایش به روابط فرازنشویی عاطفی...، بلوردی | ۲۰۹

ابزاری<sup>۱</sup>، مربوط به حمایت‌های قابل لمس، بلکه حمایت مصاحبتی<sup>۲</sup>، مرتبط با ارتباط محبت‌آمیز یا پشتیبانی عاطفی مقصود است. به دلیل خلأی که افراد از بعد حس تنهایی در زندگی زناشویی متحمل آن می‌گردند؛ تأثیر چنین حمایت‌هایی از طرف شخصی ثالث در گرایش به روابط فرازنشویی قابل توجه است.

زن ۲۶ ساله: «اگر بخوام انتخاب کنم؛ ترجیح می‌دهم به جای این‌که در یک جمع دوستانه و خانوادگی باشم یا صحبت با اون؛ این صحبت را ترجیح می‌دهم».

### مقوله فرعی. رهاشدگی

واقع امر این است که جوامع کنونی، جملگی در سیطره نابسامانی‌های ارتباطی به سر می‌برند. ناظر بر عدم روایت معین فرد از توصیف «خود شدن» در بعد ذهنی، یعنی حس استمرار زندگی است. لذا این مفهوم به حساس شدن نسبت به کم‌توجهی اشاره دارد (یانگ و همکاران، ۱۳۸۹).

زن ۲۳ ساله: «وقتی بهش فکر می‌کنم دلیل اصلی که باهاش دوست شدم؛ مثل فردی در حال سقوط به دره بودم که اون اومد دستم را گرفت».

مرد ۲۷ ساله: «احساس می‌کردم رابطه ما به گونه‌ای است که می‌دونم توی مشکلات دستم یکجا بنده حاد اقل».

افراد انتظار دارند که در آرامش و پیوستگی‌های تعاملاتی، به زندگی مشغول باشند. اما زمانی این حس استمرار به آن‌ها در زندگی زناشویی منتقل نگردد؛ ممکن است معنای «جدا افتادگی» و رها شدن را احساس کنند و دچار طریقه‌ای از نداشتن چشم‌انداز آینده‌نگر در زندگی اجتماعی شود. در واقع اشاره به خود نبودن دارد.

زن ۲۸ ساله: «حس شعف و شادی به من می‌ده احساس می‌کنم دیگه مثل قبل نیستم. می‌تونم برای زندگیم برنامه ریزی داشته باشم».

مرد ۳۳ ساله: «وقتی باهاش صحبت می‌کردم، احساس می‌کردم زندگی همش

- 
1. instrumental support
  2. social companionship

منفی‌هایی که فکر می‌کردم نیست».

این روایت مبین این نکته است که اگر در زندگی زناشویی کنش ارتباطی به کار شکل‌دهی هویت یاری نرساند، در نهایت برخی به دنبال تعاملات جایگزین، از نظر کمی یا کیفی، خواهند رفت.

### بحث و نتیجه‌گیری

پدیده روابط فرا زناشویی عاطفی همانند بسیاری از پدیده‌های اجتماعی حاصل فرایندی از ترکیب عوامل مختلف است. برخی از این عوامل به معنای دقیق کلمه اجتماعی‌اند و در متن جامعه تکوین می‌یابند؛ درحالی‌که برخی دیگر تابع قیود ناشی از خواست‌های فردی هستند. بر این مبنا، باید همبسته‌های مرتبط با وقوع موضوع را به‌عنوان پدیده‌ای «چندعاملی»<sup>۱</sup> فهم نمود. با برجسته نمودن عوامل به‌دست آمده در ارتباط با یافته‌های پژوهش، مقوله‌های اصلی «جدایی تعاملاتی»، «دیگری» و «نامنی وجودی»، ناظر بر ارتباط مخدوش شده مابین زوجین، حضور دیگران مهم و عدم توانایی مواجهه با مخاطرات زندگی شده‌اند.

در این منظر، کافی است به موقعیت پرخطر جامعه در حال گذار کنونی و همراهی توأمان آن یعنی خانواده اشاره کنیم. وضعیتی به‌غایت دشوار که مسئله «گسست» همواره پیش رو است. در این حالت، امروزه این گسست از سنت [البته نه کامل] و بازخوانی مدرن از محیط اجتماعی، منجر به غالبیت یافتن کارکردهای عاطفی خانواده به نسبت دیگر کارکردهایش شده است. استحکام و استمرار خانواده‌های امروزی بیش‌ازپیش از رضای طرفین ناشی می‌شوند و به تبع با رضای آنان ادامه می‌یابد. مصاحبه‌شوندگان ما نیز کمتر به نیازهای اقتصادی اشاره داشتند؛ احساس زیان‌دیدگی آنان بیشتر ناظر بر خلأ صمیمیت‌های عاطفی دوسویه، بی‌قدرتی تصمیم‌گیری در انتخاب شریک عاطفی و یا عدم حضور کنشگر عاطفی در فضای خانه بود. این مطلب مبین همسانی با دیدگاه‌های تئوریک پیوند

اجتماعی است. همان‌گونه که هیرشی مراد می‌کند؛ وابستگی، تعدد و درگیری در روابط عاطفی پایدار به استمرار پیوند اجتماعی می‌انجامد. تاج‌بخش (۱۴۰۰) نیز ترجیحاتی نزدیک بدین مسئله در پژوهش خویش یافته است.

در نتیجه، فقدان این موارد را تأیید کننده شکل‌گیری آرایش جدیدی در هنجارهای و ارزش‌های جامعه می‌دانیم که برخی زوجین دیگر منتظر شریک‌های عاطفی نمی‌مانند؛ بلکه تلاش دارند از هویت وفادارانه و سنتی خود گذر کنند و بواسطه فرصت‌های ارتباطی در جوامع جدید چه از طریق ارتباط مجدد با شرکای عاطفی دوران مجردی و چه جستجوی آن در زمان حال، دیگری عاطفی را ما به ازایی از سازوکارهای پیش روی بدست آورند. از ورای همین روایت، بیان رابرت مرتن (۱۳۷۶) در مشروعیت دادن به چنین ارزش‌هایی امتداد دیدگاه اخلاقیون در ترجیح یافتن ارزش‌های ترقی فردی است (بیرهوف، ۱۳۸۴ و جوادی یگانه، ۱۳۸۳). بررسی‌های (فیروزجائیان و قدیری، ۱۳۹۹؛ تاج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۹ و تاج‌بخش، ۱۴۰۰) در حال گذار بودن از چنین ضابطه‌های اخلاقی را تأیید می‌کند.

اما این فقط یک جنبه ماجرای شکل‌گیری روابط فرازنشویی عاطفی است. در چنین شرایط عاطفی و شخصی شده زندگی خانوادگی، زوجین خود را به منزله موجودی تجربه می‌کنند که از استمرار و «پیوستگی وجودی» و ثبات درونی برخوردار نیستند و می‌روند تا درخطر از دست دادن چیزی قرار گیرد که ما توصیف و تشریح پایداری آن را بر اساس «ناامنی وجودی» ارائه کردیم. ظهور ناامنی با توجه به تجربیات افراد واردشده در روابط فرازنشویی، هنگامی وجود پیدا کرد که ارتباطات بااهمیت یکی از زوجین در نازل‌ترین حالت خود قرار می‌گرفت. این روایت، به مواردی ناظر است که در تجربیات مصاحبه‌شوندگان، حس تنهایی و رهاشدگی نام گرفت. با توجه به تأکید مستقیم الگوی چهارگانه کارکردگرایی پارسونز و مرحله بی‌روح شدن مارک نپ به این امر، ما آن را بین یافته‌ها، در راستای داده‌های محققانی چون (فیروزجائیان و قدیری، ۱۳۹۹ و تاج‌بخش و همکاران، ۱۳۹۹) نیز یافته‌ایم.

### پیشنهاد‌های مبتنی بر یافته‌های پژوهش

به‌عنوان جمع‌بندی نهایی از مباحث تحلیلی و با توجه به خوانش تجارب ذهنی مصاحبه‌شوندگان باید اذعان داشت که روابط فرا زناشویی عاطفی در خانواده‌هایی بیشتر رخ می‌دهد که تعاملات زوجین دچار بحران شده باشند. از این رو در ارائه راهکارها بر حسب عدم تحدید و کرانمندی موضوع و همچنین گرایش‌ها، استعدادها، آمادگی‌های روانی، ذهنی و ظرفیت تحمل افراد متفاوت است. توصیه بر آن است، «تعاملات تفاهمی» به‌عنوان شاه‌بیت پژوهش‌های جامعه‌شناختی روابط فرا زناشویی عاطفی، جایگاهی محوری به خود اختصاص دهد. بر این باوریم که هرگونه سیاست‌گذاری به‌منظور تقلیل مسائل این‌چینی بدون پی‌جویی زمینه‌های خانوادگی خاستگاه فرد، تفسیری نادرست از مسئله می‌سازد. از این رو، ما راهکار عمده در راه شکل‌گیری تعاملات تفاهمی مطلوب را «کنش ارتباطی» می‌دانیم. کنشی که به بیان یورگن هابرماس، هدف والاتری تعقیب می‌کند؛ تعاملی فراتر از ارتباط تحریف‌شده متکی بر اجبار و سرکوب که هدف آن نیل به تفاهم دوطرفه از طریق ارتباط است (هابرماس، ۱۹۸۲: ۱۳۸۴). در تلاش برای دستیابی به چنین امری، می‌توان سه رویکرد عملیاتی «خانوادگی»، «مددکاری» و «سیاست‌گذاری‌های اجتماعی» را مدنظر داشت.

تعاملات تفاهمی در کودکی و نوجوانی با اعضای خانواده قابل توجه است. اگر خانواده‌ها بر تعامل با فرزندان تأکید ورزند، الگوی مناسبی را در اختیار آنان قرار گرفته و مفهوم خویشتن تسریع می‌یابد. به‌واقع وجود روابط تعاملی تفاهمی، در بازاندیشیدن درباره خود اثر دارد؛ خانواده‌ای که روابط میان اعضاء را نه بر مبنای تسلط و اقتدار، بلکه بر اساس گفتگوی دوستانه توضیح و تفاهم استوار سازد، روح خلاقیت در فکر و رفتار کنشگران اجتماعی پرورش می‌یابد؛ زیرا رسیدن به یک تصور پایدار از خود و هویت رو به رشد تا حدود زیادی تحت تأثیر روابط خانوادگی است. همچنین در بعد مددکاری می‌توان از طریق بازاندیشی به موانع ارتباط سرکوب شده نزدیک شد. چه که ما در میان پرسش‌شوندگان دلیل عمده رفتن به سمت روابط عاطفی فرا زناشویی را خلأهای ارتباطی زوجین یافتیم.

در واقع کنش ارتباطی به کار شکل‌دهی تعاملات تفاهمی یاری می‌رساند، و رشد ضمیر نفس شامل وارد شدن در ساختارهای عام شناخت، گفتار و تعامل است (هابرماس، ۱۳۸۴؛ اوث ویت، ۱۳۸۶). در همین راستا با نگاهی زنانه، رویکرد اصلاحی را به سمت سیاست گذران اجتماعی می‌چرخانیم؛ آنجا که نظام‌های اجتماعی پهن دامنه، زنان را تحت سلطه و الزام اندیشه‌های قالبی و کلیشه‌های جنسیتی قرار داده و به انقیاد آن‌ها دست می‌زنند. سیاست‌های اجتماعی نشان داده که نتوانسته پاسخگوی حوزه‌های راهبردی مطالبه شده زنان باشند. وجه عمده این سیاست‌ها، آرمان‌گرایانه بودن آن‌ها است. تدوین سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر «طرح آزادانه افکار زنانشویی مابین زوجین» که در آن کنشگران ضمن ارتباط با یکدیگر در مورد امور مختلف به تفاهم برسند، بدون این که الگوی موفق از چنین طرحی ارائه دهند؛ یادآور این نکته است که سیاست‌گذاران بدون توجه به الزام هنجار بخش نهادهای اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی عمل می‌کنند. در نتیجه ما شاهد تکرار «موانع طرح آزادانه افکار» در خانواده‌های ایرانی هستیم. این بدین معنا است که سیاست‌گذاری‌های اجتماعی ما برای تغییر سرکوبگری هنجار بخش و خشک‌اندیشی هنجاری اجتماعی ناکارآمد است.

### سپاسگزاری

از کلیه افرادی که در انجام این تحقیق نهایت همکاری را با محقق داشته‌اند؛ صمیمانه سپاسگزارم.

### تعارض منافع

تعارض منافع نداریم

### ORCID

ZahirMostafa Balvardi  <http://orcid.org/0000-0002-1935-2829>

## منابع

- اباذری، یوسف. (۱۳۷۷)، *خرد جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات طرح نو.
- اوث ویت، ویلیام. (۱۳۸۶)، *هابرماس، معرفی انتقادی*، ترجمه: لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بدار، لوک؛ دزیل، ژوزه و لامارش، لوک. (۱۳۸۱)، *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه: حمزه گنجی، تهران: نشر ساوالان.
- بیرهوف، ورنر. (۱۳۸۴)، *رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه: رضوان صدیقی‌نژاد، تهران: گل آذین.
- تاج‌بخش، غلام‌رضا. (۱۴۰۰)، «واکاوی عوامل زمینه‌ساز روابط فرا زناشویی»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۹، شماره ۴: ۶۱۴-۵۹۵.
- تاج‌بخش، غلام‌رضا؛ حسینی، محمدرضا و محمد میرزایی، مریم. (۱۳۹۹)، «تحلیل داده بنیاد فرآیند شکل‌گیری خیانت زناشویی»، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، دوره ۹، شماره ۱۷: ۷۲-۵۱.
- تیموری، نرگس؛ نوروزی، فیض اله و ادیسی، افسانه. (۱۴۰۱)، «عوامل مؤثر بر فرایند طلاق بر مبنای نظریه مارک نپ»، *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد*، سال ۶۵، شماره ۱: ۳۱۰۱-۳۰۸۱.
- جلیلیان، زهرا. (۱۳۷۵)، «عوامل اجتماعی مؤثر بر درخواست طلاق در شهر تهران»، *پایان‌نامه* منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، ایران.
- جوادی یگانه، محمدرضا. (۱۳۸۳)، «دوراهی اجتماعی و عوامل مؤثر بر رفتار مردم در این موقعیت» *رساله* منتشر نشده دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، ایران.
- روشه، گی. (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات تیان.
- سودانی، منصور؛ کریمی، جوادی؛ مهربانی زاده هنرمند، مهناز و نیسی، عبدالکاسم. (۱۳۹۱)، «اثر بخشی زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر کاهش آسیب‌های ناشی از خیانت همسر»، *فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۱۰، شماره ۴: ۲۶۶-۲۵۸.

دلایل پیدایی گرایش به روابط فرازنشویی عاطفی...، بلوردی | ۲۱۵

- شیردل، ملیحه. (۱۳۸۵)، «عوامل گرایش زنان و مردان متأهل به رابطه نامشروع جنسی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، دوره ششم، شماره ۲۲: ۱۴۸-۱۳۳.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله. (۱۳۸۶)، آسیب‌شناسی اجتماعی (انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت.
- عاملی، سعید رضا. (۱۳۸۲)، «دوجہانی شدن‌ها و جامعه‌های اضطراب»، نامه علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ۱: ۱۷۴-۱۴۳.
- فیروزجائیان، علی‌اصغر و قدیری، حسن. (۱۳۹۶). مطالعه پدیدارشناسی دلایل بی‌وفایی زناشویی، مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱: ۱۴۴-۱۲۰.
- قره‌گوزلو، نادیا؛ مرادحاصلی، مستانه و عطادخت، اکبر. (۱۳۹۷)، «مقایسه اثربخشی زوج درمانی شناختی - رفتاری حضوری و مجازی بر اختلال استرس پس از سانحه در روابط فرازنشویی»، فصلنامه پژوهش‌های مشاوره، دوره ۱۷، شماره ۶۵: ۱۷۸-۲۰۶.
- کرمی، جهانگیر؛ زکی‌بی، علی؛ محمدی، امید و حق‌شناس، شریفه. (۱۳۹۴)، «نقش عوامل روانی و اجتماعی در پیش‌بینی نگرش به روابط خارج از چارچوب زناشویی در زنان متأهل و ارائه یک مدل بر اساس عوامل مرتبط»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، دوره ۱۳، شماره ۳: ۱۵۲-۱۲۹.
- لینگ، ر.د. (۱۳۷۴)، خویشتن ازهم‌گسیخته، ترجمه: خسرو باقری، تهران: انتشارات رشد.
- محمد پور، احمد. (۱۳۸۹)، ضد روش، ج ۱، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- مرتن، رابرت. (۱۳۷۶)، مشکلات اجتماعی و نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه: نوین تولایی، تهران: امیرکبیر.
- مساواتی آذر، مجید. (۱۳۷۴)، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران؛ جامعه‌شناسی انحرافات، تبریز: نوبل.
- هابرماس، یورگن. (۱۳۸۴)، نظریه کنش ارتباطی، ج ۱ و ۲، ترجمه: کمال پولادی، تهران: موسسه مطبوعاتی ایران.
- هنرپروران، نازنین. (۱۳۹۳)، «بررسی اثربخشی رویکرد پذیرش و تعهد (ACT) بر بخشش و سازگاری زناشویی زنان آسیب‌دیده از خیانت همسر»، فصلنامه زن و جامعه، دوره ۵، شماره ۳: ۱۵۰-۱۳۵.

- یانگ، جفری؛ کلوسکو، ژانت و ویشار، مارجوری. (۱۳۸۹)، *طرحواره درمانی (راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی)*، مترجمان: حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران: ارجمند.

- Asher. R. Asher& Paquette. A. Julie. (2003), *Loneliness and peer relations in childhood*, Current Directions in Psychological Science; Vol.12, No3 75-78.
- Cobb, Sidney. (1976), "Social Support as a moderator of life stress", *Psychosomatic Medicine*, 38(5): 300-314.
- Guitar. E.Amanda; Geher, Glenn; Kruger. J. Daniel; Garcia.R. Justin; Fisher. L. Marianne& Fitzgerald. J., Carey. (2016) "Defining and distinguishing sexual and emotional infidelity", *Current Psychology*, Vol 36:436-446.
- Peplau, L.A; Miceli, M& Morasch, B. (1982) "Loneliness and Self-Evaluation. In: Peplau, L.A. and Perlman, D. Eds, *Loneliness: A Sourcebook & Current Theory*", Research & Therapy, Wiley-Interscience, New York, 135-151.

استناد به این مقاله: بلوردی، زهیرمصطفی. (۱۴۰۴). دلایل پیدایی گرایش به روابط فرا زناشویی عاطفی: یک مطالعه کیفی، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، ۱۲(۴۳)، ۱۸۹-۲۱۶.



Social Work Research Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.